

اثربخشی شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی بر کیفیت زندگی، استرس ادراک شده و اضطراب در افراد دچار اختلال پراشتهایی عصبی
The Effectiveness of Mindfulness-based Cognitive therapy on Quality of life, Perceived Stress, and Anxiety in people with Bulimia Nervosa

Roya Danaei Yeganeh

Ph.D. student of psychology, Department of Psychology, Faculty Of Education And Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

Zeynab Khanjani *

Professor, Department of Psychology, Faculty Of Education And Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

Dr.khanjaani@gmail.com

Bayrami Mansour

Professor, Department of Psychology, Faculty Of Education And Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

Touraj Hashemi Nosrat-Abad

Professor, Department of Psychology, Faculty Of Education And Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

رویا دانائی یگانه

دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

زینب خانجانی (نویسنده مسئول)

استاد، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

منصور بیرامی

استاد، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

تورج هاشمی نصرت آباد

استاد، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

Abstract

The present study aimed to determine the effectiveness of mindfulness-based cognitive therapy on quality of life, perceived stress, and anxiety in individuals with bulimia nervosa. The research design was a single-case, multiple-baseline, quasi-experimental study. The statistical population consisted of individuals diagnosed with bulimia nervosa who had referred to counseling centers in Tabriz city in 1401. Three individuals with the disorder were selected through purposive sampling. The instruments of this study included the Eating Disorder Inventory (EDI, Garner and Garfink, 2010), Beck Anxiety Inventory (BAI, Beck et al., 1988), Perceived Stress Inventory (PSS, Cohen et al., 1983), and Quality of Life (WHOQOL-BREF, World Health Organization, 1998). Graphical and diagrammatic analysis, recovery percentage and clinical effectiveness were used to analyze the data. The findings showed that there was a significant difference ($p < 0.01$) between the mean scores of the three participants at the first and second baseline and the end of the treatment sessions and their mean scores at the second follow-up in quality of life, anxiety, and perceived stress, and it was clinically meaningful. From the above findings, it can be concluded that mindfulness-based cognitive therapy training is effective on quality of life, anxiety, and perceived stress in individuals with bulimia nervosa.

Keywords: Mindfulness-Based Cognitive Therapy, Quality of Life, Perceived Stress, Anxiety.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی بر کیفیت زندگی، استرس ادراک شده و اضطراب در افراد دچار اختلال پراشتهایی عصبی انجام شد. طرح پژوهش نیمه آزمایشی تک موردی از نوع خط پایه‌ی چندگانه بود. جامعه‌ی آماری شامل افراد مبتلا به پراشتهایی عصبی که در سال ۱۴۰۱ به مراکز مشاوره شهر تبریز مراجعه کرده بودند، سه نفر از افراد مبتلا از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزارهای این پژوهش شامل پرسشنامه مقیاس اختلال خوردن (EDI، گارنر و گارفینکی، ۲۰۱۰)، اضطراب بک (BAI، بک و همکاران، ۱۹۸۸)، استرس ادراک شده (PSS، کوهن و همکاران، ۱۹۸۳) و کیفیت زندگی (WHOQOL-BREF، سازمان بهداشت جهانی، ۱۹۹۸) بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل نموداری، ترسیمی و درصد بهبودی و اثربخشی بالینی انجام شد. یافته‌ها نشان داد که بین میانگین نمرات سه شرکت‌کننده در خط پایه اول و دوم و پایان جلسات درمانی با میانگین نمرات آن‌ها در پیگیری دوم در کیفیت زندگی، اضطراب و استرس ادراک شده تفاوت معناداری در سطح ($P < 0/01$) وجود دارد و از نظر بالینی معنادار است. از یافته‌های فوق می‌توان نتیجه گرفت آموزش شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی بر کیفیت زندگی، اضطراب و استرس ادراک شده در افراد مبتلا به اختلال پراشتهایی عصبی مؤثر است.

واژه‌های کلیدی: شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی، کیفیت زندگی، استرس ادراک شده، اضطراب.

مقدمه

در پنجمین راهنمای تشخیصی و آماری انجمن روانپزشکی آمریکا^۱، اختلال پراشتهایی عصبی با دوره‌های مکرر پرخوری، رفتارهای نامناسب جبرانی مکرر جهت جلوگیری از افزایش وزن تعریف شده است، این رفتارها حداقل یکبار در هفته و به مدت حداقل ۳ ماه ادامه دارد. شیوع پراشتهایی عصبی در جوامع ایرانی در دختران ۳/۲ درصد و در پسران ۱/۲ درصد بوده است (صفرزاده و محمودی، ۱۳۹۳). اختلال پراشتهایی عصبی اغلب با سایر اختلالات روانی مانند اختلالات افسردگی، اضطراب، استرس، اختلال شخصیت مرزی و اختلالات وسواسی اجباری همایند است (موهجان و موهجان^۲، ۲۰۲۳). رایج ترین واکنش هیجانی در افراد مبتلا به پراشتهایی عصبی، اضطراب است. اختلال پراشتهایی عصبی می‌تواند به عنوان کاهش دهنده‌ی اضطراب عمل کند. بیماران مبتلا به اختلال پراشتهایی عصبی نرخ بالاتری از اضطراب را نسبت به افراد سالم دارند (کاپلند^۳ و همکاران، ۲۰۲۵). بسیاری از رفتارهایی که در اختلال پراشتهایی عصبی رخ می‌دهند (مانند پرخوری، پاکسازی، ارزیابی بدنی) می‌تواند رفتارهای ایمنی بخشی باشد که از طریق از بین بردن آگاهی از حالت‌های هیجانی، در جهت کاهش فوری سطح اضطراب عمل کند. دقیقاً به همان صورتی که رفتارهای ایمنی بخش در اختلالات اضطرابی عمل می‌کنند، رفتارهای مربوط به اختلال خوردن نیز اگرچه در ابتدا باعث کاهش سطوح برانگیختگی می‌شود، در بلندمدت باعث حفظ و حتی افزایش سطوح اضطراب و استرس ادراک شده می‌شود (ولکاف^۴ و همکاران، ۲۰۲۴). جیمزپادیللا^۵ و همکاران (۲۰۲۵) در پژوهش دیگری بیان کردند که علاوه بر اضطراب، سطح استرس ادراک شده با اختلال پراشتهایی عصبی رابطه معناداری دارد.

استرس ادراک شده^۶ هدف مهمی در درمان اختلال پراشتهایی عصبی است. تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که بین استرس ادراک شده و اختلالات خوردن رابطه معنی داری وجود دارد. به طوری که افرادی که از استرس بیشتری رنج می‌برند، به احتمال بیشتری مستعد اختلالات خوردن هستند (المحمد^۷ و همکاران، ۲۰۲۵). عمل پرخوری توجه را از عواطف ناخوشایند و شناخت‌های منفی ناشی از استرس‌های ارزیابی شده منحرف می‌کند و می‌تواند شرایط ابتلا به سایر اختلالات روانی را هموار سازد. با توجه به این نتایج، می‌توان نتیجه گرفت که اضطراب و استرس ادراک شده در اختلال پراشتهایی عصبی نقشی پر رنگ ایفا می‌کنند و از سوی دیگر زمینه لازم را برای کاهش آگاهی هیجانی در هنگام خوردن و کیفیت زندگی در افراد مبتلا فراهم می‌سازند (برورتون^۸ و همکاران، ۲۰۲۵).

اختلالات خوردن از طریق ایجاد مشکلات فراوان در سلامت جسمی و عملکرد روانی، سطح کیفیت زندگی را در افراد مبتلا کاهش می‌دهند. به همین علت، افراد داری کیفیت زندگی پایین، هیجانات منفی بیشتری را تجربه می‌کنند، رویدادهای منفی بیشتری را از گذشته به یاد می‌آورند و ارزیابی منفی بیشتری از پیرامون خود دارند (احمد^۹ و همکاران، ۲۰۲۵). شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که بین اختلال پراشتهایی عصبی و کیفیت زندگی رابطه معنی دار وجود دارد و از آنجا که خوردن ذهن آگاهانه و سطوح اضطراب و استرس ادراک شده از جمله متغیرهایی است که بر کیفیت زندگی افراد مبتلا به اختلال پراشتهایی عصبی اثرگذار می‌باشد، درمان‌های مبتنی بر ذهن آگاهی و خوردن ذهن آگاهانه می‌تواند مؤثر واقع شود (اون^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۵). به منظور درمان اختلال پراشتهایی عصبی، روش‌ها و فنون متعددی از جمله ذهن آگاهی مبتنی بر شناخت درمانی مورد استفاده قرار گرفته است. تورسک^{۱۱} و همکاران (۲۰۲۴) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی می‌تواند بر رفتارهای مرتبط با خوردن اثرگذار باشد.

آموزه‌ها و مداخله‌های مبتنی بر ذهن آگاهی، نقش مهمی در افزایش توانمندی روانشناختی افراد ایفا می‌کند (فن^{۱۲} و همکاران، ۲۰۲۵). حفظ لحظه به لحظه آگاهی باعث می‌شود منبع توجه به تجربه در حال گذر معطوف شده و در نهایت با فعال نشدن افکار خودآیند، خطای شناختی نیز رخ نمی‌دهد و در نتیجه اضطراب و استرس را کاهش می‌دهد (فنگ^{۱۳} و همکاران، ۲۰۲۵). یک مطالعه نشان داد که تمرین‌های

1. the fifth diagnostic and statistical manual of American psychiatric association
2. Mohajan & Mohajan
3. Kopland
4. Velkoff
5. Jiménez-Padilla
6. perceived stress
7. Almahmeed
8. Brewerton
9. Ahmed
10. Aoun
11. Torske
12. Fan
13. Feng

ذهن آگاهی در کاهش اضطراب و گفتگوهای ذهنی منفی مؤثر است (ابدل^۱ و همکاران، ۲۰۲۵) و همچنین شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی^۲ می‌تواند باعث کاهش استرس ادراک‌شده و اضطراب گردد. شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی، انعطاف‌پذیری فعالیت‌های شناختی را افزایش می‌دهد، و مراجعین ترغیب می‌شوند تا تجربه را بدون قضاوت به همان گونه‌ای که شکل گرفته پردازش کنند و رابطه‌شان را با افکار و احساسات چالش‌برانگیز تغییر داده و آن‌ها را بپذیرند (الدیبانی^۳، ۲۰۲۵).

ارتباط تنگاتنگ اضطراب و استرس ادراک‌شده با علائم اختلال پر اشتهایی عصبی یک تعامل پیچیده از عوامل شناختی، عاطفی و رفتاری است. کاهش سطح اضطراب و استرس با کیفیت زندگی بهتر و قابلیت‌های مقابله‌ای همراه است که می‌تواند از ایجاد و تشدید علائم اختلال پر اشتهایی عصبی محافظت کند. درک این رابطه برای توسعه مداخلات درمانی مؤثر باهدف افزایش کیفیت زندگی و درنتیجه بهبود نتایج برای افراد مبتلا به پر اشتهایی عصبی بسیار مهم است و از سوی دیگر، با توجه به میزان شیوع بالای این اختلال و مزمن بودن روند درمانی آن و هزینه‌های درمانی که این اختلال برای نظام بهداشت و سلامت روان افراد و جامعه ایجاد می‌کند و نتایج مثبتی که شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی بر کاهش اضطراب و استرس ادراک‌شده نشان داده است، هدف پژوهش حاضر تعیین اثربخشی شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی بر کیفیت زندگی، استرس ادراک‌شده و اضطراب در افراد دچار اختلال پراشتهایی عصبی بود.

روش

طرح پژوهش حاضر از نوع نیمه آزمایشی تک موردی^۴ از نوع خط پایه‌ی چندگانه^۵ بود. جامعه‌ی آماری شامل افراد مبتلا به پراشتهایی عصبی شهر تبریز بود که در نیمه‌ی اول سال ۱۴۰۱ به مراکز مشاوره مراجعه کرده‌اند. گروه نمونه شامل سه نفر از افراد مبتلا که از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند بر اساس نتایج حاصل از قضاوت بالینی یک روانشناس بالینی انتخاب شد. علاوه بر آن از هر شرکت‌کننده مصاحبه بالینی ساختاریافته به عمل آمده و یک مقیاس تشخیصی برای تشخیص اختلال پراشتهایی عصبی اجرا شد و بعد از محرز شدن تشخیص اختلال، شرکت‌کنندگان با استفاده از روش پلکانی وارد درمان شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بود از: تشخیص اختلال پر اشتهایی عصبی توسط روانشناس بر اساس ملاک‌های DSM-5، نمره میانگین خط پایه مقیاس پر اشتهایی عصبی برای شرکت‌کننده اول، دوم و سوم به ترتیب ۱۱۰، ۱۳۸ و ۱۰۵ بود، دامنه سنی بین ۱۸ تا ۲۵ سال، توانایی خواندن و نوشتن به زبان فارسی، رضایت آگاهانه برای شرکت در مداخله و ملاک‌های خروج از پژوهش نیز شرکت هم‌زمان در برنامه‌های مشاوره یا روان‌درمانی دیگر، عدم حضور در جلسات بیش از دو جلسه و عدم همکاری در اندازه‌گیری خط پایه بود. جهت رعایت ملاحظات اخلاقی در پژوهش، داوطلبانه و اختیاری بودن شرکت افراد در پژوهش، تشریح حقوق و وظایف طرفین به شرکت‌کنندگان، توضیح اهداف پژوهش به شرکت‌کنندگان، محرمانه نگه‌داشتن اطلاعات به‌دست‌آمده در طی اجرای پژوهش و خروج آزادانه از پژوهش مدنظر قرار گرفت. همچنین، طرح پژوهش پیش از اجرا به تأیید کمیته اخلاق پژوهشی دانشگاه تبریز رسیده و کد اخلاق (شناسه اخلاق IR.TABRIZU.REC.1403.031) دریافت شده است. درنهایت برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل نموداری و ترسیمی استفاده شد. علاوه بر تحلیل نموداری و ترسیمی، از درصد بهبودی نیز برای بررسی تغییرات بالینی استفاده گردیده که برای تجزیه و تحلیل داده‌های طرح‌های تجربی تک‌موردی مطرح‌شده است. همچنین برای تعیین اثربخشی بالینی از فرمول اندازه اثر کوهن استفاده شد که مبتنی بر میانگین و انحراف استاندارد داده‌ها در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ انجام شد.

ابزار سنجش

مقیاس اختلال خوردن^۶ (EDI)؛ سیاهه‌ی علائم اختلال خوردن یک پرسشنامه‌ی ۶۴ سؤالی است که گارنر و گارفینکی^۷ (۱۹۸۲) آن را طراحی کرده‌اند. این سیاهه ۸ زیر مقیاس را شامل است که به دو بعد مهم بالینی تقسیم می‌شود: نگرش‌های خوردن و ویژگی‌های

1. Abd-el
 2. Mindfulness- based cognitive therapy
 3. Aldbyani
 4. Single Case
 5. Multiple baseline design
 6. The Eating Disorder Inventory-EDI
 7. Garner & Garfinkel

کارکرد مختل، که زیر مقیاس‌های آن عبارت‌اند از: ناکارآمدی^۱، ترس‌های بلوغ^۲، کمال‌گرایی^۳، بی‌اعتمادی بین فردی^۴، تمایل به لاغری^۵، آگاهی درونی^۶، پرخوری^۷ و نارضایتی بدنی^۸. از بین این زیرمقیاس‌ها، سه زیرمقیاس که ابعاد نشانه‌های اختلال‌های خوردن را می‌سنجند عبارت‌اند از: تمایل به لاغری، پرخوری و فقدان رضایت از تصویر بدنی. پاسخ‌های این آزمون در شش گزینه از همیشه تا هرگز درجه‌بندی شده است. روش نمره‌گذاری در این آزمون به این شکل است که به گزینه‌های همیشه، معمولاً و اغلب اوقات به ترتیب نمره ۱، ۲، ۳ و به سه گزینه بعدی گاهی اوقات، به ندرت و هرگز نمره صفر داده می‌شود. نمره‌های بالاتر در این آزمون نشان‌دهنده‌ی میزان بالاتر آسیب‌پذیری مرتبط با خوردن است. گارنر و همکاران (۱۹۸۳) به‌عنوان سازندگان اصلی آلفای کرونباخ محاسبه‌شده برای مقیاس گرایش به لاغری (۰/۶۷)، پرخوری (۰/۷۰)، و فقدان رضایت از تصویر بدنی (۰/۶۰) را گزارش دادند. همچنین سازندگان اصلی روایی سازه این مقیاس را از طریق ضرایب همبستگی بین زیرمقیاس‌های سیاهه علائم اختلالات خوردن با نمره کل به ترتیب ۰/۱۴، ۰/۴۹، ۰/۳۶، ۰/۳۴، ۰/۰۹، ۰/۱۳، ۰/۱۶ و ۰/۴۸ گزارش دادند. در ایران شایفیان و وفایی (۱۳۸۸) ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های گرایش به لاغری، پرخوری و فقدان رضایت از تصویر بدنی را به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۳ و ۰/۸۹ گزارش نمودند. همچنین روایی هم‌زمان این مقیاس با پرسشنامه باورهای خوردن ۰/۴۸ به دست آمد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های گرایش به لاغری، پرخوری و فقدان رضایت از تصویر بدنی را به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۷۴ و ۰/۸۳ به دست آمد.

مقیاس اضطراب بک^۹ (BAI): این پرسشنامه توسط بک^{۱۰} و همکاران (۱۹۸۸) معرفی شد. مقیاس حاضر، شامل ۲۱ عبارت است و شیوه‌ی امتیازبندی پاسخ‌ها به‌صورت اصلاً (۰) تا شدید (۳) است. دامنه‌ی نمره‌ی فرد از صفر تا ۶۳ در نوسان است. در صورتی که نمره‌ی به‌دست‌آمده در دامنه صفر تا ۷ باشد فرد موردبررسی هیچ اضطرابی ندارد، اگر بین ۸-۱۵ باشد، اضطراب خفیف، اگر بین ۱۶-۲۵ باشد متوسط و اگر بین ۲۶-۶۳ باشد، نشان‌دهنده‌ی اضطراب شدید است. وتزل و گاتز^{۱۱} (۲۰۰۵) ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را ۰/۹۲ و روایی سازه این پرسشنامه از طریق همبستگی سؤالات با یکدیگر بین ۰/۳۰ تا ۰/۷۶ گزارش دادند. در ایران کاویانی و موسوی (۱۳۸۷) ضریب آلفای کرونباخ را در این پرسشنامه ۰/۹۲ و روایی هم‌زمان این پرسشنامه با مقیاس فوبیای اجتماعی ۰/۵۰ گزارش دادند. در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ برای این مقیاس ۰/۸۴ به دست آمد.

مقیاس استرس ادراک‌شده^{۱۲} (PSS): این پرسشنامه توسط کوهن^{۱۳} و همکاران (۱۹۸۳) طراحی شده است. این مقیاس دارای ۱۴ گویه می‌باشد. نمره‌گذاری این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از هرگز (۰) تا بسیار از اوقات (۴) انجام می‌شود. کمترین امتیاز ۰ و بیشترین امتیاز ۵۶ است و نمره بالاتر نشان‌دهنده استرس ادراک‌شده بیشتر است. در پژوهش کوهن و همکاران (۱۹۸۳) ضرایب همسانی درونی با روش آلفای کرونباخ بین ۰/۸۴ تا ۰/۸۶ به دست آمد. همچنین برای محاسبه روایی همگرای این مقیاس ضریب همبستگی آن را با اندازه‌های نشانه‌شناختی^{۱۴} بین ۰/۵۲ تا ۰/۷۶ گزارش دادند. در ایران هاشمی و عینی (۱۳۹۸) ضریب آلفای کرونباخ را برای این مقیاس ۰/۷۳ گزارش کرد. ضریب روایی سازه این مقیاس با استفاده از محاسبه همبستگی ساده با یک سؤال ملاک پژوهشگر ساخته ۰/۶۳ به دست آمد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس ۰/۷۵ به دست آمد.

مقیاس کیفیت زندگی^{۱۵} (WHOQOL-BREF): این پرسشنامه توسط گروه کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت تدوین شده و به ارزیابی کیفیت زندگی افراد می‌پردازد (سازمان بهداشت جهانی، ۱۹۹۸). این پرسشنامه شامل ۲۶ گویه بوده و چهار حیطه سلامت جسمانی، سلامت روانی، روابط اجتماعی و بهداشت محیط را ارزیابی می‌کند. نمره‌گذاری در یک طیف پنج درجه‌ای لیکرت از خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۵) انجام می‌گیرد. دامنه نمرات بین ۲۶ تا ۱۳۰ است که نمره بیشتر به معنای کیفیت زندگی بهتر است. پایایی این

1. Ineffectiveness
2. Maturity Fears
3. Perfectionism
4. Interpersonal Distrust
5. Drive for Thinness
6. Interpersonal Awareness
7. Bulimia
8. Body Dissatisfaction
9. Beck Anxiety Inventory
10. Beck
11. Wetherell & Gatz
12. Perceived Stress Scale
13. Cohen
14. Symptomatological measures
15. WHO Quality of Life

پرسشنامه توسط گروه ارزیابی کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی با استفاده از روش آلفای کرونباخ بین ۰/۸۰ تا ۰/۹۰ گزارش شد. جهت بررسی روایی سازه پرسشنامه از روش تحلیل عامل اکتشافی و تأییدی استفاده شد. نتایج تحلیل نشان داد این آزمون از چهار مؤلفه تشکیل شده و بار عاملی هر گویه بر روی عامل مربوطه بالاتر از ۰/۴۰ (سازمان جهانی بهداشت، ۱۹۹۶). در پژوهش رصافیانی و همکاران (۱۳۹۹) پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۵ و به روش بازآزمایی با فاصله دو هفته، در دامنه‌ای از ۰/۷۸ تا ۰/۸۹ به دست آمد. همچنین، نتایج روایی محتوا نشان داد که نسبت روایی محتوای به‌دست‌آمده برای تمامی سؤالات پرسشنامه در دامنه ۰/۷۰ تا ۱ و شاخص روایی محتوا نیز برابر با ۰/۸۵ به دست آمد که نشان‌دهنده روایی محتوای قابل قبول این پرسشنامه است (رصافیانی و همکاران، ۱۳۹۹). در این پژوهش ضریب پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۴ به دست آمد.

پروتکل درمانی این پژوهش توسط سگال و همکاران^۱ (۲۰۱۳) در ۸ هفته و هر هفته یک جلسه ۹۰ دقیقه‌ای ساخته شده است. هر شرکت کننده بر اساس نتایج حاصل از قضاوت بالینی یک روانشناس بالینی انتخاب شده است، علاوه بر آن از هر شرکت کننده یک مقیاس تشخیصی برای اختلال پراشتهایی عصبی اجرا شده و بعد از محرز شدن تشخیص اختلال پراشتهایی عصبی، شرکت کنندگان با استفاده از روش پلکانی وارد درمان شده‌اند و سپس ۸ جلسه آموزش شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی بر روی این افراد اجرا شده است. خلاصه محتوای جلسات آموزشی در جدول ۱ مطرح شده است.

جدول ۱. محتوای جلسات شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی

جلسه	تکالیف
اول	آشنایی مراحل درمان، پراشتهایی عصبی، تمرین خوردن ذهن آگاهانه کشکش، تمرین واریسی بدنی
دوم	تنفس ذهن آگاهانه، واریسی بدن، آگاهی از وقایع خوشایند، نشستن ذهن آگاهانه، تمرین افکار، احساسات و رفتار
سوم	تمرین شنیدن ۵ دقیقه، تنفس ذهن آگاهانه، نشستن ذهن آگاهانه، تمرین فضای تنفس ۳ دقیقه‌ای، قدم زدن ذهن آگاهانه، آگاهی از وقایع ناخوشایند
چهارم	تمرین شنیدن ۵ دقیقه، آگاهی از بدن، تنفس و افکار، بحث درباره راه‌اندازها و عوامل تداوم پراشتهایی عصبی، تنفس ۳ دقیقه‌ای
پنجم	تمرین نشستن ذهن آگاهانه از تنفس، بدن، صداها، افکار و معرفی یک مشکل در حین تمرین، توجه به تأثیر آن روی بدن و واکنش به آن، تنفس ۳ دقیقه‌ای
ششم	تمرین نشستن ذهن آگاهانه از تنفس، بدن، صداها، افکار، تمرین افکار جایگزین، آماده کردن شرکت کننده برای نزدیک شدن به پایان درمان
هفتم	تمرین نشستن ذهن آگاهانه از تنفس، بدن، صداها، افکار همراه با توجه به واکنش‌ها در برابر مشکلات، مشاهده ارتباط بین خلق و فعالیت، تهیه فهرستی از کارهای لذت‌بخش، شناسایی نشانه‌های عود، شناسایی فعالیت‌های مقابله با عود، قدم زدن آگاهانه
هشتم	تمرین واریسی بدنی، بازنگری کل برنامه درمان، بحث درباره برنامه‌ها و یافتن دلایل مثبت برای ادامه تمرین، اتمام جلسه با تمرین فضای تنفس سه دقیقه‌ای و ارائه ی یادبودی از درمان

یافته ها

یافته‌های جمعیت شناختی نشان داد، میانگین خط پایه نمره پراشتهایی عصبی در شرکت کننده اول، دوم و سوم به ترتیب ۱۱۰، ۱۳۸ و ۱۰۵ بود. جنسیت شرکت کننده اول و دوم زن و شرکت کننده سوم مرد بود. همچنین شرکت کنندگان برای شرکت در مداخله فاقد سایر اختلالات روانی مانند افسردگی اساسی، اختلال دو قطبی و اختلال سایکوتیک بودند. طبق ارزیابی اولیه و گفته شفاهی شرکت کنندگان مدت زمان ابتلا در شرکت کننده اول، دوم و سوم به ترتیب حدود یکسال، سه سال و دو سال بود. سن شرکت کننده اول، دوم و سوم به ترتیب ۲۲ ساله، ۲۴ ساله و ۱۸ ساله بودند. از نظر تحصیلات شرکت کننده اول دانشجوی کارشناسی، شرکت کننده دوم دارای مدرک کارشناسی و شرکت کننده سوم دارای مدرک دیپلم بود.

1. Segal

اثربخشی شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی بر کیفیت زندگی، استرس ادراک شده و اضطراب در افراد دچار اختلال پراشتهایی عصبی
The Effectiveness of Mindfulness-based Cognitive therapy on Quality of life, Perceived Stress, and Anxiety in people ...

جدول ۲. درصد بهبودی (درمان و پیگیری) و اندازه اثر (درمان) برای هر سه آزمودنی در مقیاس اضطراب

مراحل مداخله	شرکت کننده اول	شرکت کننده دوم	شرکت کننده سوم
خط پایه اول	۲۳	۱۸	۲۵
خط پایه دوم	۲۵	۱۸	۲۵
میانگین مرحله خط پایه	۲۴	۱۸	۲۵
نمره پایان جلسه دوم	۲۳	۱۶	۲۰
نمره پایان جلسه چهارم	۲۰	۱۶	۱۵
نمره پایان جلسه ششم	۱۴	۱۲	۱۷
نمره پایان جلسه هشتم	۹	۱۰	۱۱
میانگین مرحله درمان	۱۶.۵	۱۳.۵	۱۵.۷۵
انحراف استاندارد	۶.۲۲	۳.۲۸	۵.۶۰
درصد بهبودی	۶۴٪	۴۴.۴۴٪	۵۶٪
میانگین درصد بهبودی		۵۴.۸۱٪	
اندازه اثر	۱.۲۰	۱.۳۷	۱.۶۵
میانگین اندازه اثر		۱.۴۰	
پیگیری اول	۱۱	۱۲	۱۱
پیگیری دوم	۱۰	۱۱	۱۵

جدول ۲ نشان می‌دهد که شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی منجر به بهبود (کاهش) اضطراب در هر سه شرکت کننده شده است (شرکت کننده اول: درصد بهبودی ۶۴٪ و اندازه اثر ۱/۲۰؛ شرکت کننده دوم: درصد بهبودی ۴۴/۴۴٪ و اندازه اثر ۱/۳۷؛ شرکت کننده سوم: درصد بهبودی ۵۶٪ و اندازه اثر ۱/۶۵). با توجه به اینکه میانگین درصد بهبودی (۵۴/۸۱٪) بالاتر از ۵۰٪ و میانگین اندازه اثر (۱/۴۰) بالاتر از ۰/۵۱ است، چنین استنباط می‌شود که شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی در کاهش اضطراب افراد مبتلا به اختلال پراشتهایی عصبی اثربخش است و این اثربخشی از نظر بالینی معنادار است.



نمودار ۱. مقایسه میانگین نمرات پیگیری اول و دوم در اضطراب

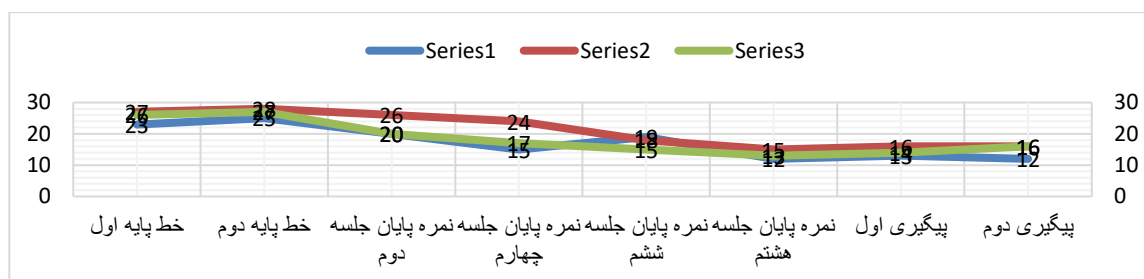
بر اساس نمودار ۱ مقایسه میانگین نمرات سه شرکت کننده در پایان جلسات درمانی با میانگین نمرات آن‌ها در پیگیری دوم نشان می‌دهد اثر شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی در بهبود (کاهش) اضطراب پایدار است.

جدول ۳. درصد بهبودی (درمان و پیگیری) و اندازه اثر (درمان) برای هر سه آزمودنی در مقیاس استرس ادراک شده

مراحل مداخله	شرکت کننده اول	شرکت کننده دوم	شرکت کننده سوم
خط پایه اول	۲۳	۲۷	۲۶
خط پایه دوم	۲۵	۲۸	۲۷
میانگین مرحله خط پایه	۲۴	۲۷.۵	۲۶.۵
نمره پایان جلسه دوم	۲۰	۲۶	۲۰
نمره پایان جلسه چهارم	۱۵	۲۴	۱۷

۱۵	۱۸	۱۹	نمره پایان جلسه ششم
۱۳	۱۵	۱۲	نمره پایان جلسه هشتم
۱۶.۲۵	۲۰.۷۵	۱۶.۵	میانگین مرحله درمان
۵.۷۸	۵.۲۹	۴.۸۵	انحراف استاندارد
۵۱.۸۵٪	۴۶.۴۲٪	۵۲٪	درصد بهبودی
	۵۰.۰۹٪		میانگین درصد بهبودی
۱.۷۷	۱.۲۷	۱.۵۴	اندازه اثر
	۱.۵۲		میانگین اندازه اثر
۱۴	۱۶	۱۳	پیگیری اول
۱۶	۱۶	۱۲	پیگیری دوم

مندرجات جدول ۳ نشان می‌دهد که شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی منجر به بهبود (کاهش) میزان استرس ادراک شده در هر سه شرکت کننده شده است (شرکت کننده اول: درصد بهبودی ۵۲٪ و اندازه اثر ۱/۵۴؛ شرکت کننده دوم: درصد بهبودی ۴۶/۴۲٪ و اندازه اثر ۱/۲۷؛ شرکت کننده سوم: درصد بهبودی ۵۱/۸۵٪ و اندازه اثر ۱/۷۷). با توجه به اینکه میانگین درصد بهبودی (۵۰/۰۹٪) بالاتر از ۵۰٪ و میانگین اندازه اثر (۱/۵۲) بالاتر از ۰/۵۱ است. چنین استنباط می‌شود که شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی در کاهش میزان استرس ادراک شده افراد مبتلا به اختلال پراشتهایی عصبی اثربخش است و این اثربخشی از نظر بالینی معنادار است.



نمودار ۲. مقایسه میانگین نمرات پیگیری اول و دوم در استرس ادراک شده

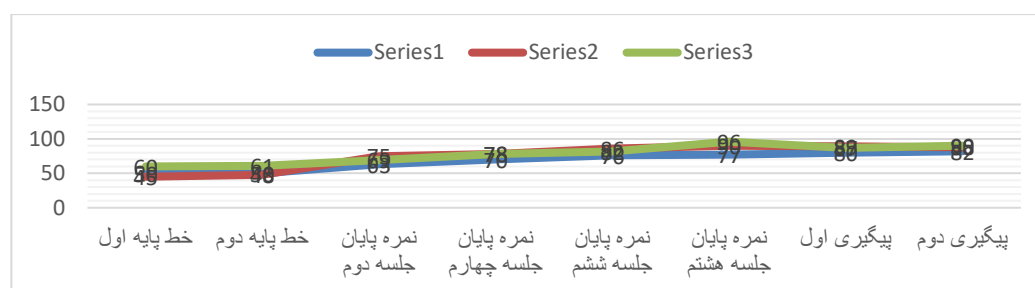
بر اساس نمودار ۲ مقایسه میانگین نمرات سه شرکت کننده در پایان جلسات درمانی با میانگین نمرات آن‌ها در پیگیری دوم نشان می‌دهد اثر شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی بر بهبود (کاهش) میزان استرس ادراک شده پایدار است.

جدول ۴. درصد بهبودی (درمان و پیگیری) و اندازه اثر (درمان) برای هر سه آزمودنی در مقیاس کیفیت زندگی

شرکت کننده اول	شرکت کننده دوم	شرکت کننده سوم	مراحل مداخله
۵۰	۴۵	۶۰	خط پایه اول
۵۰	۴۸	۶۱	خط پایه دوم
۵۰	۴۶.۵	۶۰.۵	میانگین مرحله خط پایه
۶۳	۷۵	۶۹	نمره پایان جلسه دوم
۷۰	۷۸	۷۸	نمره پایان جلسه چهارم
۷۶	۸۶	۸۲	نمره پایان جلسه ششم
۷۷	۹۰	۹۶	نمره پایان جلسه هشتم
۷۱.۵	۸۲.۲۵	۸۱.۲۵	میانگین مرحله درمان
۱۲.۱۷	۱۹.۲۵	۱۳.۸۰	انحراف استاندارد
۵۴٪	۸۷.۵۰٪	۵۷.۳۷٪	درصد بهبودی
	۶۶.۲۹٪		میانگین درصد بهبودی
۱.۷۶	۱.۸۵	۱.۵۰	اندازه اثر

	۱۷۰		میانگین اندازه اثر
۸۷	۸۹	۸۰	پیگیری اول
۹۰	۸۸	۸۲	پیگیری دوم

مندرجات جدول ۴ نشان می‌دهد که شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی منجر به بهبود (افزایش) کیفیت زندگی در هر سه شرکت کننده شده است (شرکت کننده اول: درصد بهبودی ۵۴٪ و اندازه اثر ۱/۷۶؛ شرکت کننده دوم: درصد بهبودی ۸۷/۵٪ و اندازه اثر ۱/۸۵؛ شرکت کننده سوم: درصد بهبودی ۵۷/۳۷٪ و اندازه اثر ۱/۵۰). با توجه به اینکه میانگین درصد بهبودی (۶۶/۲۹٪) بالاتر از ۵۰٪ و میانگین اندازه اثر (۱/۷۰) بالاتر از ۰/۵۱ است چنین استنباط می‌شود که شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی در افزایش کیفیت زندگی افراد مبتلا به اختلال پراشتهایی عصبی اثربخش است و این اثربخشی از نظر بالینی معنادار است.



نمودار ۲. مقایسه میانگین نمرات پیگیری اول و دوم در کیفیت زندگی

بر اساس نمودار ۳ مقایسه میانگین نمرات سه شرکت کننده در پایان جلسات درمانی با میانگین نمرات آن‌ها در پیگیری دوم نشان می‌دهد اثر شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی در بهبود (افزایش) کیفیت زندگی پایدار است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی بر کیفیت زندگی، استرس ادراک شده و اضطراب در افراد دچار اختلال پراشتهایی عصبی انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد که شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی منجر به بهبود (کاهش) اضطراب افراد مبتلا به اختلال پراشتهایی عصبی می‌شود. این یافته با نتایج مطالعات اون و همکاران (۲۰۲۵)، مقدم و همکاران (۲۰۲۵) و میناری^۱ و همکاران (۲۰۲۴) همسو بود. بر اساس نظریه تنظیم هیجان گراس^۲ (۲۰۲۴)، می‌توان سازوکار تأثیر شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی را بر کاهش اضطراب در افراد مبتلا به اختلال پرخوری عصبی تبیین کرد. بر اساس این نظریه، اختلال پرخوری عصبی با نارسایی در فرایندهای تنظیم هیجان به‌ویژه در مواجهه با هیجاناتی مانند اضطراب همراه است، به‌طوری‌که افراد برای رهایی از تنش‌های هیجانی به رفتارهای ناسازگارانه‌ای چون پرخوری و پاک‌سازی روی می‌آورند (گراس، ۲۰۲۴). از سووی دیگر شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی با آموزش مشاهده بدون قضاوت افکار و احساسات، تمرکز بر لحظه حال، و افزایش ظرفیت تحمل هیجانات، موجب اصلاح سازوکارهای معیوب تنظیم هیجان می‌شود. این رویکرد از طریق کاهش نشخوارهای ذهنی، افزایش پذیرش هیجان و کاهش واکنش‌گری، به مراجعان کمک می‌کند اضطراب خود را به شیوه‌ای سالم‌تر مدیریت کنند و به تدریج از چرخه معیوب پرخوری برای کاهش اضطراب فاصله بگیرند. از این منظر، کاهش اضطراب در مبتلایان به اختلال پرخوری عصبی در پروتو بازسازی شناختی، تعدیل توجه، و ارتقای توانمندی‌های تنظیم هیجان از طریق ذهن آگاهی قابل تبیین است. به این ترتیب، الگوهای شناختی مخرب که منجر به اضطراب یا پرخوری می‌شوند، به تدریج تضعیف می‌شوند (اون و همکاران، ۲۰۲۵).

یافته دیگر این تحقیق نشان داد که شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی منجر به بهبود (کاهش) سطوح استرس ادراک شده در افراد مبتلا به اختلال پراشتهایی عصبی می‌شود. این یافته با نتایج مطالعات میناری و همکاران (۲۰۲۴) و تورسک و همکاران (۲۰۲۵) همسو بود. میناری و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهش خود بیان کردند که بر اساس نظریه خود تنظیمی^۳ و چارچوب مفهومی ذهن آگاهی درباره استرس، می‌توان تبیین

1. Minari

2. Gross

3. self-regulation theory

کرد که چگونه شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی منجر به کاهش سطوح استرس ادراک شده در افراد مبتلا به اختلال پر خوری عصبی می شود. بر اساس این پژوهش افراد مبتلا به این اختلال معمولاً دچار ارزیابی های منفی، کمال گرایی افراطی، و حساسیت بالا نسبت به شکست در کنترل غذا یا تصویر بدن هستند که همه این عوامل در افزایش استرس ادراک شده نقش دارند. ذهن آگاهی با تمرین هایی همچون اسکن بدن، تنفس آگاهانه و مشاهده غیر قضاوت گرانه افکار و احساسات، به فرد یاد می دهد تا به جای واکنش های خودکار و اجتنابی، تجربه های درونی را بپذیرد و در لحظه حال حضور یابد. این تغییر نگرش موجب کاهش ارزیابی های تهدیدزا و فاجعه ساز نسبت به موقعیت ها شده و در نتیجه سطح استرس ادراک شده کاهش می یابد (میناری و همکاران، ۲۰۲۴). همچنین، ذهن آگاهی با ارتقای انعطاف پذیری روان شناختی، بهبود ظرفیت خودتنظیمی، و فاصله گذاری از افکار منفی خودکار، فرد را در برابر استرس های روزمره و درونی مقاوم تر می سازد. در افراد دچار پر خوری عصبی که استرس محرک مهمی برای شروع چرخه پر خوری و پاک سازی است، این تغییر می تواند به کاهش رفتارهای ناسازگارانه و بهبود تنظیم هیجان منجر شود. بنابراین، شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی با تعدیل نحوه ادراک و تفسیر استرس، سازوکار مؤثری برای کاهش سطوح استرس ادراک شده در این افراد فراهم می آورد (میناری و همکاران، ۲۰۲۴).

یافته دیگر پژوهش حاضر نشان داد که شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی منجر به بهبود (افزایش) کیفیت زندگی در افراد مبتلا به اختلال پر اشتها عصبی می شود. این یافته با نتایج تحقیقات میناری و همکاران (۲۰۲۴)، اون و همکاران (۲۰۲۵) و تورسک و همکاران (۲۰۲۵) همسو بود. این نتیجه بر اساس نظریه ذهن آگاهی کرین^۱ (۲۰۰۹)، ذهن آگاهی به معنای «آگاهی از لحظه حال، به شیوه ای هدفمند، بدون قضاوت و با پذیرش» تبیین می شود. این نظریه، ذهن آگاهی را نه فقط یک تکنیک، بلکه شکلی از مواجهه با تجربه انسانی می داند که می تواند الگوهای ناکارآمد ذهنی و رفتاری را دگرگون سازد. در اختلال پر خوری عصبی، افراد معمولاً درگیر چرخه ای از افکار منفی و خودانتقادی شدید هستند که با پر خوری های تکانشی و احساس شرم و گناه تداوم می یابد. طبق دیدگاه کرین (۲۰۰۹)، یکی از دلایل تداوم این چرخه، "زندگی در حالت ذهنی انجام کار"^۲ است که در آن فرد با هدف تغییر یا اجتناب از هیجانات منفی، رفتارهای ناسازگارانه ای چون پر خوری را تجربه می کند. حال شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی که از نظریه کرین (۲۰۰۹) ریشه گرفته است، به افراد کمک می کند تا از این حالت ذهنی به "حالت بودن"^۳ منتقل شوند؛ حالتی که در آن فرد به جای واکنش های خودکار، با پذیرش و آگاهی نسبت به افکار، احساسات و حس های بدنی مواجه می شود. این تغییر در شیوه مواجهه، به کاهش همسان انگاری با افکار منفی (مثل «من ضعیفم» یا «کنترلی ندارم») می انجامد و به افراد کمک می کند تا بدون نیاز به رفتارهای پرخطر، تجربه های هیجانی خود را تحمل و مدیریت کنند. در نتیجه، خودشفقت ورزی، پذیرش خود، و ارتباط سالم تری با بدن و هیجانات پدید می آید. این فرایندها به طور مستقیم به ارتقای کیفیت زندگی منجر می شوند، چراکه فرد احساس کنترل بیشتری بر زندگی دارد، در روابط خود کمتر دچار تعارض می شود و احساس رضایت درونی افزایش می یابد (کرین، ۲۰۰۹).

در مجموع نتایج این مطالعه نشان داد شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی می تواند سطوح استرس ادراک شده و اضطراب را کاهش می دهد و باعث بهبود کیفیت زندگی در افراد دچار پر اشتها عصبی می شود. این مداخله توانست تا حد زیادی استرس ادراک شده و اضطراب را کاهش می دهد و کیفیت زندگی را در افراد دچار پر اشتها عصبی افزایش دهد و از این رو می تواند در افراد پر اشتها عصبی به کار گرفته شود. مهم ترین محدودیت این پژوهش، استفاده از روش نمونه گیری غیر تصادفی بود. با توجه به اینکه پژوهش حاضر بر روی نمونه مبتلایان به اختلال پر اشتها عصبی مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر تبریز انجام گرفته است، بنابراین بهتر است در تعمیم یافته ها احتیاط به عمل آید. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش حاضر مبنی بر اثربخش بودن شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی بر کیفیت زندگی، استرس ادراک شده و اضطراب در افراد دچار اختلال پر اشتها عصبی، پیشنهاد می گردد یافته های این پژوهش با طرح های آزمایشی دقیق تر و کنترل شده تر مورد بررسی مجدد قرار گیرد.

مقاله حاضر برگرفته از پایان نامه دکتری نویسنده اول در رشته روانشناسی دانشگاه تبریز به راهنمایی نویسنده دوم و سوم و مشاوره نویسنده چهارم است.

منابع

شائقیان، ز. و وفایی، م. (۱۳۸۹). بررسی شاخص های روان سنجی سیاهه علایم اختلال خوردن (EDI) در دانش آموزان دختر پایه دوم دبیرستان های تهران. *مطالعات روان شناختی*، ۶(۲)، ۲۴-۹. <https://doi: 10.22051/psy.2010.1568>

1. Crane
 2. doing mode
 3. being mode

اثربخشی شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی بر کیفیت زندگی، استرس ادراک شده و اضطراب در افراد دچار اختلال پراشتهایی عصبی
The Effectiveness of Mindfulness-based Cognitive therapy on Quality of life, Perceived Stress, and Anxiety in people ...

- رصاصیانی، م.، صحاف، ر.، شمس، ا.، وامقی، ر.، زارعیان، ح.، اکرمی، ر. (۱۳۹۹). روایی و پایایی نسخه فارسی پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت، نسخه سالمندان. سالمند: مجله سالمندی/ایران، ۱۵ (۱): ۲۸-۴۱. <https://doi.org/10.32598/sija.2020.3.110>
- صفرزاده، س.، محمودی خرسندی، ز. (۱۳۹۳). بررسی اختلالات خوردن (بی اشتهاهی عصبی و پراشتهایی عصبی) در میان نوجوانان ۱۳-۱۸ سال در شهر گنبد. مجله علوم پزشکی دانشگاه رفسنجان، شماره ۱۴، دوره ۵، ۳۹۳-۴۰۴. <https://doi.org/10.1001/1.17353165.1394.14.5.5.1>
- کاویانی، ح. و موسوی، ا. (۱۳۸۷). ویژگی های روان سنجی پرسشنامه اضطراب بک در طبقات سنی و جنسی جمعیت ایرانی. مجله دانشکده پزشکی، ۶۶ (۲)، ۱۴۰-۱۲۶. <http://tumsj.tums.ac.ir/article-1-641-fa.html>
- هاشمی، ز.، عینی، س. (۱۳۹۸). استرس ادراک شده در سالمندان: نقش هوش معنوی خود دلسوزی و سرسختی روان شناختی. روان شناسی پیری، ۵ (۴)، ۲۸۹-۲۹۹. <https://doi.org/10.22126/jap.2020.4836.1381>
- Abd-el Naby Abd, R. A., Mourad, G. M., & Abd El-Fatah, W. O. (2025). Effectiveness of mindfulness-based interventions for reducing anxiety among women with breast cancer. *Plastic and Aesthetic Nursing*, 45(1), 49-60. <https://doi.org/10.1097/PSN.0000000000000556>
- Ahmed, F., Wu, C., Li, L., Ye, Q., Ksebe, W., & Wang, K. (2025). Psychological Approaches for Eating Disorders: The Role of Body Image, Self-Esteem, and Quality of Life. In *Psychotherapy in the Third Millennium-Cross-Cutting Themes and Proposals for Reflection*. IntechOpen. <https://doi.org/10.5772/intechopen.1009601>
- Aldbyani, A. (2025). The effect of mindfulness meditation on psychological well-being and mental health outcomes: a cross-sectional and quasi-experimental approach. *Current Psychology*, 1-10. <https://doi.org/10.1007/s12144-025-07454>
- Almahmeed, M. B., Almutawa, M. A., & Naguib, Y. M. (2025). The prevalence of and the effect of global stressors on eating disorders among medical students. *Frontiers in Psychology*, 16, 1507910. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2025.1507910>
- Aoun, A., Ghoussoub, C., Farsoun, C., Al Mallah, A., Ayoub, F., Trezia, N., & Abi Karam, S. (2025). Examining the efficacy of mindfulness-based interventions in treating obesity, obesity-related eating disorders, and diabetes mellitus. *Journal of the American Nutrition Association*, 44(4), 292-305. <https://doi.org/10.1080/27697061.2024.2428290>
- Beck, A. T., Epstein, N., Brown, G., & Steer, R. A. (1988). An inventory for measuring clinical anxiety: psychometric properties. *Journal of consulting and clinical psychology*, 56(6), 893. <https://doi.org/10.1037/0022-006X.56.6.893>
- Brewerton, T. D., Kopland, M. C., Gavidia, I., Suro, G., & Perlman, M. M. (2025). A network analysis of eating disorder, PTSD, major depression, state-trait anxiety, and quality of life measures in eating disorder patients treated in residential care. *European Eating Disorders Review*, 33(1), 148-162. <https://doi.org/10.1002/erv.3136>
- Cohen, S., Kamarck, T., & Mermelstein, R. (1983). A global measure of perceived stress. *Journal of health and social behavior*, 385-396. <https://doi.org/10.2307/2136404>
- Crane, R. S., Callen-Davies, R., Francis, A., Francis, D., Gibbs, P., Mulligan, B., ... & Vallejo, Z. (2023). Mindfulness-Based Stress Reduction for Our Time: A Curriculum that is up to the Task. *Global Advances in Integrative Medicine & Health*, 12. <https://doi.org/10.1177/27536130231162604>
- Fan, S., Yu, S., & Xu, W. (2025). Longitudinal relationship between mindful awareness, acceptance and mental health problems: a mediation model. *Psychological reports*, 128(2), 772-790. <https://doi.org/10.1177/00332941231166615>
- Feng, R., Mishra, V., Hao, X., & Verhaeghen, P. (2025). The association between mindfulness, psychological flexibility, and rumination in predicting mental health and well-being among university students using machine learning and structural equation modeling. *Machine Learning with Applications*, 19, 100614. <https://doi.org/10.1016/j.mlwa.2024.100614>
- Garner, D. M., & Garfinkel, P. E. (1982). Body image in anorexia nervosa: Measurement, theory and clinical implications. *International Journal of Psychiatry in Medicine*, 11 (3), 263-284. <https://doi.org/10.1177/070674378102600404>
- Gross, J. J. (2024). Conceptual foundations of emotion regulation. In J. J. Gross & B. Q. Ford (Eds.), *Handbook of emotion regulation* (3rd ed., pp. 3-12). The Guilford Press. <https://psycnet.apa.org/record/2024-33137-001>
- Jiménez-Padilla, C., Vázquez-Morejón, A. J., & Arias-Sánchez, S. (2025). Coping strategies adopted when faced with stress and eating disorders: A systematic review. *Eating Behaviors*, 101966. <https://doi.org/10.1016/j.eatbeh.2025.101966>
- Kopland, M. C., Vrabell, K., Landt, M. S. O. T., Hoffart, A., Johnson, S. U., & Giltay, E. J. (2025). Network dynamics of self-compassion, anxiety, and depression during eating disorder therapy. *European eating disorders review*, 33(1), 35-52. <https://doi.org/10.1002/erv.3121>
- Minari, T. P., Araújo-Filho, G. M. D., Táciato, L. H. B., Yugar, L. B. T., Rubio, T. D. A., Pires, A. C., ... & Moreno, H. (2024). Effects of mindful eating in patients with obesity and binge eating disorder. *Nutrients*, 16(6), 884. <https://doi.org/10.3390/nu16060884>
- Moghadam, M. S., Parvizifard, A., Foroughi, A., Ahmadi, S. M., & Farshchian, N. (2025). An examination of the effectiveness of mindfulness-integrated cognitive behavior therapy on depression, anxiety, stress and sleep quality in Iranian women with breast cancer: a randomized controlled trial. *Scientific Reports*, 15(1), 11041. <https://doi.org/10.1038/s41598-025-85745-1>
- Mohajan, D., & Mohajan, H. K. (2023). Bulimia Nervosa: A Psychiatric Problem of Disorder. *Innovation in Science and Technology*, 2(3), 26-32. <https://EconPapers.repec.org/RePEc:pra:mprapa:117258>
- Torske, A., Bremer, B., Hölzel, B. K., Maczka, A., & Koch, K. (2024). Mindfulness meditation modulates stress-eating and its neural correlates. *Scientific Reports*, 14(1), 7294. <https://doi.org/10.1038/s41598-024-57687-7>
- Velkoff, E. A., Rubino, L. G., Liu, J., Manasse, S. M., & Juarascio, A. S. (2024). Early reduction in anxiety sensitivity predicts greater reduction in disordered eating and trait anxiety during treatment for bulimia nervosa. *International Journal of Eating Disorders*, 57(8), 1791-1796. <https://doi.org/10.1002/eat.24207>
- Wetherell, J. L., & Gatz, M. (2005). The Beck Assessment Anxiety Inventory in older adults with generalized anxiety disorder. *Journal of Psychopathology and Behavioral*, 27, 17-24. <https://doi.org/10.1007/s10862-005-3261-3>
- Whoqol Group. (1998). Development of the World Health Organization WHOQOL-BREF quality of life assessment. *Psychological medicine*, 28(3), 551-558. <https://doi.org/10.1017/S0033291798006667>